

تحلیل الگوی برنامه‌ریزی امام حسین علیه‌السلام از منظر قرآن

سید علی اصغر علوی^۱ | علی رضاییان^۲ | علی آقا صفری^۳

ع

سال سی و یکم
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۲۷

صص: ۱۱۱-۱۳۹

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.4.4.6

چکیده

برنامه‌ریزی یکی از وظایف مهم مدیران در سازمان است. این مفهوم در سیره مدیریتی امام حسین (ع) جایگاه ویژه‌ای دارا است که ریشه‌های آن را در آموزه‌های قرآن باید جست. این تحقیق در صدد است با استفاده از روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) تحلیلی قرآنی از برنامه‌ریزی امام حسین ارائه نماید. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای بهره برده است. در این پژوهش ابتدا برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از وظایف مدیریت، بررسی و تبیین شده سپس سیره مدیریتی امام حسین (ع) در برنامه‌ریزی بیان و در ادامه مستندات و مبانی قرآنی آن حضرت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی در مدیریت امام حسین (ع) دارای دو جنبه برنامه‌ریزی مادی و معنوی است. این برنامه‌ریزی دارای اصول و مبانی است که بر اساس آیات قرآن قابل تفسیر و تحلیل است که از اندیشه امام آغاز شده و تا میدان اجرا امتداد می‌یابد. از دیگر دستاوردهای این تحقیق نگاه نویی است که به نهضت عاشورا و قرآن ایجاد خواهد شد و این رویکرد برای مدیران بسیار الهام‌بخش و اثرگذار خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امام حسین، مدیریت، برنامه‌ریزی، مدیریت اسلامی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعه المصطفی العالمیه.

modirekarbala313@chmail.ir

۲. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

فرد و سازمان برای رسیدن به اهداف خویش به برنامه‌ریزی نیاز دارند، بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی، برای رسیدن به جزئی‌ترین اهداف یک واقعیت انکارناپذیر است. (خواه برای میهمانی باشد، یا سپری کردن یک روز تعطیل، یا به‌منظور فروش یک محصول). (رضائیان، ۱۳۸۳، ۹۱) برنامه ریزی یکی از وظائف مدیر است. برنامه ریزی بر سایر وظایف مدیریت اولویت داشته و مقدم بر آن است. البته همه وظایف مدیریت باهم مرتبط هستند ولی در میان آنها برنامه ریزی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است. در واقع برنامه ریزی وظیفه اساسی و شالوده مدیریت است. (همان)

برای مدیران دغدغه‌مندی که می‌خواهند مدیریتشان بر اساس مبانی دینی و مستندات قرآنی و روایی باشد سیره مدیریتی امام حسین بسیار الهام‌بخش و اثرگذار خواهد بود. انجام پژوهشی که به آنها در ذیل هر وظیفه مدیریتی، آیات و سیره مدیریتی حضرت را ارائه نماید ضروری می‌نماید. در صورت عدم پرداخت به چنین موضوعاتی مدیران برای دریافت سبک مدیریتی خویش باید دست به دامان الگوهای غربی خواهند شد که پیش‌فرض‌های آن مبتنی بر جهان‌بینی‌های غیرتوحیدی و دانش‌های ذاتاً مسموم است:

«اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند.» (خامنه‌ای، ۲۹ مهر ۱۳۸۹).

نوآوری این پژوهش آن است که سعی نموده در قلمرو بحث نسبت قرآن و امام حسین، به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین خصوصاً با ابتناء مبانی قرآنی پردازد.

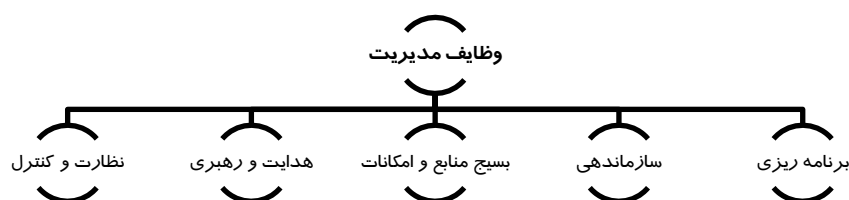
مبانی نظری و پیشینه پژوهش

لازم است تصویر روشنی از مبانی نظری تحقیق ارائه شود:

الف) برنامه‌ریزی

صاحب‌نظران علم مدیریت همواره توجه خاصی به وظایف مدیریت داشته‌اند؛ زیرا این حوزه شامل بسیاری از کارکردهای اصلی مدیریت است و برای مدیران و علاقه‌مندان به حوزه مدیریت جهت‌دهنده و روشن‌کننده مسیر است. در مورد وظایف مدیریت، نظرات مختلفی از سوی صاحب‌نظران علم مدیریت بیان شده است. اما آنچه مسلم است این است که اغلب آنان بر روی پنج وظیفه اصلی مدیر توافق نظر دارند. این پنج وظیفه مدیر که اصول پنج‌گانه مدیریت یا وظایف پنج‌گانه مدیریت هم نامیده می‌شود. (رضائیان، ۱۳۸۳: ۶).

این وظایف عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی^۱؛ سازماندهی^۲؛ بسیج منابع و امکانات^۳؛ رهبری و هدایت^۴؛ نظارت و کنترل^۵.



۱. وظایف پنجگانه مدیریت

لازم به ذکر است غیر از این تقسیم‌بندی، اندیشمندان مختلف، تقسیم‌بندی‌هایی دیگری نیز ارائه داده‌اند. در این مقاله برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از پنج وظیفه اصلی مدیریت مورد بررسی قرار

1. Planning

2. Organizing

۳. به جای «کارگزینی» (staffing) که اکثر نویسندگان آن را به کار می‌برند، از اصطلاح «بسیج منابع و امکانات» (mobilization of resources) که جامع‌تر به نظر می‌رسد استفاده شده است. (رضائیان، ۱۳۸۳، ۶)

4. Directing

5. control

می‌گیرد. مفهومی که لازم است یک مدیر در جریان مدیریت خود به آن توجه ویژه‌ای داشته باشد.

الف) تحلیل قرآنی مدیریت امام حسین

مدیریت و رهبری اغلب دو مفهوم مترادف تصور می‌شوند، حال آنکه بیشتر صاحب‌نظران این دو مفهوم را متمایز می‌دانند. رهبری در اصل نسبت به مدیریت مفهوم وسیع‌تری دارد. مدیریت نوع خاصی از رهبری محسوب می‌شود که در آن کسب هدف‌های سازمانی بر سایر هدف‌ها اولویت دارد. اختلاف اساسی میان این دو مفهوم از کلمه سازمان بر می‌خیزد. رهبری زمانی صورت می‌گیرد که فردی به هر دلیل می‌کوشد بر رفتار فرد یا گروهی اثر بگذارد. این امر می‌تواند برای نیل به اهداف خود فرد یا دیگران بوده و با اهداف سازمان نیز ناسازگار باشد. (هرسی و بلانچارد به نقل از رضائیان، ۱۳۷۹، ۳۷۶) به عبارت دیگر آنچه در حرکت امام حسین بسیار دیده می‌شود رهبری است. رهبری عبارت است از فرایند الهام بخشیدن، نفوذ و هدایت دیگران برای مشارکت دیگران برای مشارکت دسته‌جمعی. رهبران برای تشویق پیروان به مشارکت، همه‌اختیار و قدرتی که دارا هستند را با ویژگی‌های شخصیتی، چشم‌اندازها و مهارت‌های اجتماعی تکمیل می‌کنند. (کرینتر، ۱۳۸۷، ۳۹۲) در این مدیریت ویژه برنامه‌ریزی را باید مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

با بررسی سخنان و رفتار امام حسین علیه‌السلام از مدینه تا کربلا و تحلیل آموزه‌های آن‌ها روشن می‌شود که نهضت امام حسین علیه‌السلام در عاشورا بر اساس دستورات اساسی قرآن استوار است، باز شناخت این مبانی موجب می‌شود که این نهضت الگویی برای تمام ارادتمندان به قرآن قرار گیرد چرا که وظیفه قرآنی همه مسلمانان را در طول تاریخ مشخص می‌سازد یعنی هرگاه شرایطی مثل شرایط زمان امام حسین علیه‌السلام برای هر یک از مسلمانان پیدا شد، بر اساس آن مبانی قرآنی وظیفه دارند راه حسین علیه‌السلام را پیمایند.

به عبارت دیگر با استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا، حرکت امام حسین علیه‌السلام تبدیل به حرکت قرآنی می‌شود و الگوی همه مسلمانان می‌گردد. مقصود از تحلیل قرآنی، مستندات قرآنی نهضت عاشورا است که زیربنای قیام امام حسین علیه‌السلام گردید. این مبانی شامل دستورات اجتماعی و سیاسی مستقیم الهی در قرآن به همه مسلمانان و نیز آموزه‌های قرآنی غیرمستقیم است که با استفاده از قاعده جری و تطبیق و بطون قرآن قابل استنباط از سخنان و سیره امام حسین

علیه‌السلام است. پس استنباط مبانی قرآنی از نهضت عاشورا با استفاده از قواعد و روش‌های تفسیری قرآن مثل قاعده جری و حجیت ظواهر قرآن و روش تفسیر روایی و اشاری (باطنی) در تفسیر است. اما منابع استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا عبارت‌اند از:

الف) سخنان امام حسین علیه‌السلام

ب) نامه‌های امام حسین علیه‌السلام

ج) رفتار امام حسین علیه‌السلام (سیره)

یعنی منابع از درون نهضت و مستند به رهبر قیام هستند. (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۶، ۳۳) به عبارت دیگر در کنار آموزه‌های مستقیم قرآنی، باید سراغ از مبانی حرکت امام حسین گرفت که به صورت غیرمستقیم در مبانی قرآن قابل‌پیگیری و برداشت و بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه قرآن و امام حسین قابل‌استخراج است و ضرورت چنین مطالعات و پژوهش‌هایی را برای تحلیل قرآنی حرکت امام می‌طلبد.

ب) تبیین مفهوم برنامه‌ریزی

برای برنامه‌ریزی^۱ تعاریف متعددی ارائه شده است. مانند:

۱. تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن.
۲. تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد،
۳. تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن را آن را فراهم کند،
۴. طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد. (رضائیان، ۱۳۸۳، ۹۱)

۱. برنامه‌ریزی در برابر واژه انگلیسی «planning» به کار رفته است. در کتب مدیریت دو واژه «programming» و «planning» اغلب به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. بعضی از صاحب‌نظران مدیریت، نظیر جانسون از اصطلاح «strategic planning» برای برنامه بلندمدت، و از «medium-rang programming» برای برنامه ریزی میان مدت، استفاده کرده‌اند.

برای اطلاع بیشتر ر.ک.:

Johnson Richrd A. and Others, The Theory and Management of System, 3rd ed, New York: McGraw-Hill Book Co., 1973, p.62.

(رضائیان، ۱۳۸۳، ۹۱)

دو رکن اساسی پذیرفته شده در برنامه‌ریزی عبارت‌اند از تعیین اهداف^۱ و پیش‌بینی^۲ راه‌ها و امکانات لازم برای رسیدن به اهداف تعیین شده. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴، ۲۲)

در این مقاله در برنامه‌ریزی به عرصه مادی آن با تأکید بر هدف‌گذاری و پیش‌بینی و زمان‌بندی حرکت‌ها و فراتر از آن، عناصر معنوی برنامه‌ریزی توجه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در مورد امام حسین پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. از آن جا که کمتر به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین خصوصاً با ابتناء مبانی قرآنی پرداخته شده است این مقاله تلاش دارد به مبحث برنامه‌ریزی که یکی از وظایف مدیریت است به‌عنوان مسئله‌ای در سیره حضرت توجه نماید. درباره نسبت «قرآن و امام حسین» پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. مانند: مبانی قرآنی قیام امام حسین (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۵)، سیاست باقراف، دانشکده مدرسه فقه و معارف اسلامی.

نگاهی قرآنی به نهضت عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲)، رضا حسن نتاج، دانشکده علوم حدیث.

مبانی قرآنی و روایی قیام امام حسین با تأکید بر روایات آن حضرت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۶)، فاطمه به نژاد، دانشکده اصول دین تهران.

الهام‌گیری سیدالشهدا از قرآن در نهضت عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸)، فرزانه محی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم.

تجلی قرآن در ارزش‌های حاکم بر قیام عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، بلال منتظری زیوه، دانشکده اصول دین تهران.

تجلی قرآن در رفتار و گفتار امام حسین (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰)، سمیه سلیمی بنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه معارف قرآن و عترت.

بررسی سخنان امام حسین (ع) قبل از قیام عاشورا و تطبیق آن با آیات قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۴)، مهناز قپانچیان، دانشکده اصول الدین شعبه دزفول.

1. Goal-setting
2. forecasting

تجلی آموزه‌های قرآن در سیره امام حسین با تأکید بر واقعه عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، عبدالحسین جلالوند، دانشکده الهیات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. از نقاط قابل توجه کارهای گذشته، توجه به حرکت امام حسین از منظر قرآن و عنایت به مبانی و جلوه‌های آن است، اما چنانچه ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های پیشین، کمتر به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین خصوصاً با ابتناء مبانی قرآنی پرداخته شده است و این پژوهش این مهم را در نظر گرفته و تلاش نموده است که با مراجعه به گزاره‌های وحیانی قرآن کریم و با بهره‌گیری از ادبیات مدیریت الگوی برنامه‌ریزی امام حسین (ع) را کشف و استخراج نماید و بستر این نوع از تحقیقات را هموار سازد.

درباره نسبت «امام حسین و مدیریت» نیز پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. مانند: بررسی و مطالعه مؤلفه مدیریتی انگیزش در قیام امام حسین و ابعاد آن (محور مطالعه: انگیزش در واقعه کربلا) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳)، فاطمه خنیفر، دانشکده اصول دین تهران. طراحی الگوی رهبری با الهام از گفتگوهای امام حسین در مسیر کربلا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱)، سید علی اصغر علوی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق.

تبیین دلالت‌های حماسه حسینی در رشد سرمایه انسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵)، سید حسین خاکسار، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق. این دسته دوم از پژوهش‌ها نیز بیشتر به ارتباط مسائل مدیریتی از منظر موضوعات عاشورایی و شخصیت امام حسین دارند.

کوتاه‌سخن، در یک نگاه کلی می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که پژوهش‌های موجود چه در موضوع امام حسین و عاشورا و چه در موضوع قرآن، کمتر وارد مسائل مدیریتی شده‌اند و در صورت پرداختن، اثری که به صورت مصداقی به وظایف مدیریت بر اساس سیره مدیریتی امام حسین و با استناد به آیات قرآن پردازد یافت نشد. از این‌رو پژوهش پیش رو با درک مسئله و خلأ موجود و کاربردی بودن مسئله اقدام به تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی امام حسین (ع) در جریان عاشورا با استناد به داده‌های وحیانی قرآن کریم نموده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) است. در حوزه علوم اسلامی به هر تلاش در حوزه فهم مفاهیم دینی از متون گوناگون «اجتهاد» گفته می‌شود و مفهوم آن در لغت منتهای تلاش و کوشش و جدوجهد در یافتن حقایق است. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۳) مقصود از این لغت در اصطلاح اسلامی، بذل جهد و کوشش برای استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی است. (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ص ۴۶۳) به تعبیر دیگر تلاش برای یافتن دلیل و حجت بر احکام شرعی را اجتهاد گویند. (خویی، التتقیح فی شرح العروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۰) در این روش بر اساس منابع چهارگانه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و با تأکید بر قرآن و سنت به پژوهش پرداخته می‌شود. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره خواهد برد. همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به پشتوانه متون قرآنی و عنایت به بیانات سیدالشهدا، برنامه‌ریزی حضرت را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و تحلیلی قرآنی از آن ارائه نماید.

سیره مدیریتی امام حسین در برنامه‌ریزی

برای دست‌یافتن به هدف موردنظر، باید قبل از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه‌ریزی کافی صورت بگیرد. برنامه‌ریزی شالوده‌مدیریت را تشکیل می‌دهد. برنامه‌ریزی عبارت است از تهیه نقشه و برنامه کار، جهت رسیدن به هدف‌ها و مقاصد.

جایگاه برنامه‌ریزی در اندیشه امام حسین

سؤالی که در ابتدا باید پاسخ داد این است که آیا حرکت امام حسین بر اساس یک برنامه‌ریزی قبلی بوده است؟ یا اینکه در اثر فشارهای خیلی زیادی که از زمان معاویه و بلکه از قبل از آن بر مردم و خاندان امام آورده بودند، به دوره یزید که رسید، صبر امام حسین تمام شد و دست به قیام زد؟ گفته‌های خود امام حسین که نه تنها از آغاز این نهضت، بلکه از بعد از مرگ معاویه شروع می‌شود، نامه‌هایی که میان ایشان و معاویه مبادله شده است، سخنرانی‌هایی که در مواقع مختلف ایراد کرده است، از جمله آن سخنرانی معروفی که در منی صحابه پیغمبر را جمع کرد نشان می‌دهد

که این نهضت در کمال آگاهی بوده؛ انقلاب است؛ اما نه انفجار، انقلاب هست ولی انقلاب اسلامی نه انفجار. به تعبیر دقیق‌تر اسلام به انقلاب انفجاری، یک ذره معتقد نیست. اسلام، انقلابش هم انقلاب صددرصد آگاهانه و از روی تصمیم و کمال آگاهی و انتخاب است.

از جمله خصوصیات مدیریت امام حسین این است که در مورد تک‌تک اصحابش اجازه نمی‌دهد که حرکت ایشان حالت انفجاری داشته باشد. برای همین در هر فرصتی می‌خواهد اصحابش را به بهانه‌ای مرخص می‌کند و دائماً به آنها می‌گوید: آگاه باشید که اینجا آب و نانی نیست، قضیه خطر دارد. حتی در شب عاشورا با زبان خاصی با آنها صحبت می‌کند: من اصحابی از اصحاب خودم وفادارتر و اهل‌بیتی از اهل‌بیت خودم بهتر سراخ ندارم. اینها جز با من با کسی از شما کاری ندارند. شما اگر بخواهید بروید و آنها بدانند که شما خودتان را از این معرکه خارج می‌کنید، به احدی از شما کاری ندارند.

هر فردی از شما با یکی از اهل‌بیت من خارج شود و برود. رهبری که می‌خواهد از ناراحتی و نارضایتی مردم استفاده کند که چنین حرفی نمی‌زند؛ همواره از تکلیف شرعی می‌گوید. البته تکلیف شرعی هم بود و امام حسین از گفتن آن نیز غفلت نکرد اما می‌خواست آن تکلیف شرعی را در نهایت آزادی و آگاهی انجام بدهند. خواست به آنها بگوید دشمن، شما را محصور نکرده، از ناحیه دشمن اجبار ندارید. اگر از تاریکی شب استفاده کنید و بروید، کسی مزاحمتان نمی‌شود. دوست هم شما را مجبور نمی‌کند. من بیعت خودم را از شما برداشتم. اگر فکر می‌کنید که مسئله بیعت برای شما تعهد و اجبار به وجود آورده است، بیعت را هم برداشتم. یعنی فقط انتخاب و آزادی. باید در نهایت آگاهی و آزادی و بدون اینکه کوچک‌ترین احساس اجباری از ناحیه دشمن یا دوست بکنید، مرا انتخاب کنید. این عامل ارزشمندی شهدای کربلا است و الا طارق بن زیاد در جنگ اسپانیا، وقتی که اسپانیا را فتح کرد و کشتی‌های خود را از آن دماغه عبور داد، دستور داد که آذوقه را به اندازه بیست و چهار ساعت نگه دارند و زیادتر از آن را هر چه هست آتش بزنند و کشتی‌ها را هم آتش بزنند. بعد سربازان و افسران را جمع کرد، اشاره کرد به دریای عظیمی که در آنجا بود، گفت: ایها الناس! دشمن روبروی شما و دریا پشت سر شماست. اگر بخواهید فرار کنید جز غرق شدن در دریا راه دیگری ندارید، کشتی‌ای دیگر وجود ندارد. غذا هم - اگر بخواهید تبلی کنید - جز برای بیست و چهار ساعت ندارید، بعد از آن خواهید مرد. بنابراین

نجات شما در جنگیدن و از بین بردن دشمن است. غذای شما در چنگ دشمن است. راهی جز این ندارید، یعنی برایشان اجبار به وجود آورد. این سرباز اگر تا آخرین قطره خونس نچنگد، چه بکند؟ اما امام حسین با اصحاب خودش بر ضد طارق بن زیاد عملکرد، نفرمود: دشمن اینجاست، از این طرف بروید شما را از بین می‌برد، از آن طرف هم بروید شما را نابود می‌کند. بنابراین دیگر راهی نیست و به هر حال کشته می‌شوید؛ پس حالا که کشته می‌شوید، با من کشته شوید. آن گونه شهادت ارزش نداشت. فرمود: نه دریا پشت سرت است و نه دشمن روبرویت، نه دوست تو را اجبار کرده است و نه دشمن، هر کدام را که می‌خواهی انتخاب کن؛ در نهایت آزادی. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ۱۳۸-۱۳۹)

کوتاه‌سخن، اینکه امام حسین درباره اصحابش قائل به حرکت انفجاری نیست و در هر فرصتی اصحابش را به بهانه‌ای مرخص می‌کند نشان از این است که این حرکت در اوج شناخت و آگاهی بوده و به تعبیر دقیق‌تر انقلاب بوده و نه انفجار، انقلابی هم که صددرصد آگاهانه و از روی تصمیم و کمال آگاهی و انتخاب است. این روایت از عاشورا پاسخ به این مسئله مهم است که حرکت امام حسین بر اساس یک برنامه‌ریزی قبلی بوده و بر خلاف تصور عموم، یک حرکت بی‌برنامه‌ای نبوده است. مویدات دیگری هم در این باب وجود دارد که به مناسبت، در ادامه برخی از آنها خواهد آمد.

اما فراتر از ظاهر این ماجرا باید طرح و برنامه امام را در مقابل طرح و برنامه دشمنان ایشان دید. اینکه امام چرا و چگونه تنها شد؟ آیا حضرت یکباره تنها شدند یا حرکت و نقشه‌ای تاریخی، امام را تنها و منزوی کرد؟ و یزید را به صدارت و امارت مؤمنان رساند؟ علامه طباطبائی در این زمینه سخن قابل تأملی دارند. ایشان می‌فرمایند: «همه کتاب «وسائل الشیعه» را از اول تا آخر مطالعه کردم تا بینم چند روایت فقهی از امام حسین نقل شده است؛ اما بیش از سه روایت پیدا نکردم!» معنای این سخن این است که در آن زمان، مردم، امام حسین را حتی به اندازه یک مسئله‌گو هم قبول نداشته‌اند؛ در حالی که ابوهیره‌ها به‌عنوان صحابی پیامبر، مراجع صاحب فتوایی شده بودند! همه اینها نشان می‌دهد که ولی خدا با یک سازماندهی و برنامه‌ریزی قبلی، تنها شده بودند. (میرباقری، ۱۳۹۲، ۹۵) امام حسین (ع) برای اصلاح این طرحی که دشمن برای پراکنده کردن مردم از حول

نبی اکرم (ص) و اهل بیت انجام داد، قیام کردند. امام حسین (ع) با ایجاد درگیری بین حق و باطل، بساط لهو و لعب شیطان را به هم ریخته‌اند. (میرباقری، ۱۴۰۰، ۴۰۰)

نکته قابل توجه دیگر در تحلیل عاشورا این است که اگر حضرت می‌خواستند در مقیاس ساختار قدرت ۶۱ هجری عمل کنند، حتماً برنامه خود را به شکل دیگری طراحی می‌کردند؛ تفاوت دید و تحلیل امام حسین (ع) با کسانی مثل ابن عباس و دیگران - که به حضرت مشورت می‌دادند که از مدینه خارج نشوند، یا به سمت کربلا نروند و یا به شکل دیگری قیام کنند - در همین مسئله است. افق دید آن‌ها در فضای اجتماعی دوران خودشان بوده و به دنبال تصرفی اثرگذار بر شرایط اجتماعی زمان خودشان بوده‌اند؛ اما امام حسین (ع) به دنبال برنامه‌ای بسیار بزرگ‌تر و کامل‌تر بودند و تصرف در تاریخ اجتماعی بشر و معماری تاریخ اجتماعی بشر را دنبال می‌کردند که امروزه و بعد از گذر صدها سال برای همگان آشکارتر شده است. (همان، ۱۵۵-۱۵۶)

بر همین اساس، برنامه‌ریزی در مدیریت امام حسین دارای دو جنبه مادی و معنوی است. هرچند در مواردی این تفکیک مشکل به نظر می‌رسد. به‌علاوه این سخن به این معنا نیست که این دو از همدیگر جدا و بی‌ارتباط هستند، بلکه در مقام بیان و توجه به این دو عرصه مطرح شده است. در این باره به مواردی چند از عملکردهای امام حسین علیه‌السلام اشاره می‌شود:

جنبه مادی برنامه‌ریزی امام

در مواردی امام حسین به‌صورت زمینی و مادی دست به تدبیر و برنامه‌ریزی می‌زنند، البته در عین حال در این برنامه‌ریزی حضرت جنبه توکل و اتصال به مدبر کلان نظام هستی لحاظ شده است.

تدبیر برای رفتن به دارالخلافة برای بیعت

زمانی که فرماندار مدینه به فرمان یزید مأمور می‌شود که از امام علیه‌السلام بیعت بگیرد، امام حسین علیه‌السلام را برای گرفتن بیعت به دارالخلافة احضار می‌کند؛ به‌خاطر اینکه امام حسین علیه‌السلام از بصیرت و اطلاعات لازم به‌عنوان یک رهبر و مدیر بهره‌مند بودند، تنها، به‌سوی دارالخلافة حرکت نمی‌کنند، بلکه ۳۰ نفر مرد مسلح را همراه خود می‌برند و به آن‌ها امر می‌کنند

بیرون از دارالخلافه بایستند و اگر صدای تکبیر امام را شنیدند، به آنجا حمله کرده و جان امام علیه السلام را نجات دهند. (ابن الطاووس، ۱۳۷۸، ۳۱)

امام علیه السلام با آنکه از شهادت خود خبر دارند و از آن هم ترسی ندارند، لکن از دوراندیشی و آینده‌نگری غافل نیستند. چون نمی‌خواهند خون پاکشان در مکانی ریخته شود که به بهانه‌هایی پایمال گردد.

همراهی خانواده برای تحقق اهداف

امام حسین علیه السلام با آینده‌نگری‌ای که دارند، برای تحقق اهداف بلند نهضت و پایمال‌نشدن خون خود و اصحابشان، خانواده و اهل بیتشان را همراه خود به سمت کوفه می‌برند تا بعد از شهادتشان با به اسارت رفتن ایشان و تبلیغ توسط آنها، مسائل و مصائب به صفحه تاریخ منتقل شود و پیام امام علیه السلام به گوش جهانیان برسد.

دوراندیشی، تاکتیک نظامی در مقابل صف آرای دشمن

امام حسین علیه السلام چون از هدایت سپاهیان خُر و عمر سعد ناامید شدند و آنها را در جنگ جدی یافتند، رو به اصحاب خود کرده فرمودند: «برخیزید و دور خیمه‌ها گودالی همچون خندق حفر کنید و در آن آتش افروزید تا با اینان از یک رو درگیر شویم و هنگام درگیری، حرم پیامبر در امان باشد.» (کوشکی، ۱۳۸۱، ۴)

دو اصل برنامه‌ریزی مادی در مدیریت حسینی

برنامه‌ریزی صحیح و اساسی بر دو اصل استوار است:

دقت در هدف‌گذاری

تفکیک مأموریت‌ها به هدفهای کمی و کیفی کوتاه‌مدت را هدف‌گذاری می‌نامند. (رضایان، ۱۳۸۳، ۹۴) تعیین هدفهای کمی و کیفی یعنی تعیین برنامه‌ای که بر اساسا نتایجی که باید حصول یابد، بیان شده باشد. (همان، ۱۱۴) امام حسین علیه السلام روزی که از مدینه خارج شد، اهداف نهضت را در قالب وصیت‌نامه‌ای به برادرش محمد حنفیه چنین تبیین فرمود: مردم دنیا بدانند که من یک فرد جاه‌طلب، اخلاص‌گر، مفسد و ظالم نیستم (من چنین هدف‌هایی ندارم، قیام من قیام

اصلاح طلبی است) و خروج کردم برای اینکه امت جدم را اصلاح کنم، امر به معروف و نهی از منکر کنم و شیوه جدم و پدرم را عملی سازم.

پایان این مرحله از نهضت را با عبارات‌های متعددی از شهادت برمی‌شمارد. در ابتدای این مسیر هم فرمود: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ۴۱) هر کس خون قلبش را در راه ما نثار می‌کند و خود را برای شهادت و دیدار حق آماده کرده، با ما حرکت کند. همان‌گونه که از گفته‌های امام علیه‌السلام مشهود است، هدف نهایی از نهضت در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن حیات و حفظ اسلام است.

پیش‌بینی و زمان‌بندی

برنامه‌ریزی عبارت از تعیین هدف کوتاه و پیش‌بینی راه رسیدن به آن است. (رضایان، ۱۳۸۰، ۱۷۹) در تعریفی دیگر تصور و طراحی وضعیت مطلوب و یافتن و پیش‌بینی کردن راهها و وسایلی که نیل به آن را میسر می‌سازد. (همان) و نیز طراحی عملیات برای تغییر یک شیء یا موضوع، بر مبنای الگوی پیش‌بینی شده است. (همان) به عبارتی پیش‌بینی زمان‌بندی رکن اساسی برنامه‌ریزی است. امام حسین علیه‌السلام به دنبال خواسته یزید برای بیعت، به خوبی اوضاع را پیش‌بینی کرده بود و از آغاز تا پایان حرکت، به مسئله بیداری جامعه اسلامی و افشای عملکرد حاکمان اموی به ویژه یزید، عنایت داشت. بی‌گمان، حرکت دادن خانواده پیامبر به همراه زنان و کودکان از کوره‌راه‌ها و بیابان‌ها، از مدینه تا مکه و از آنجا تا کربلا، برای این بود که عاطفه آن مردم را برانگیزاند و سؤال‌هایی در اذهان عمومی به وجود آورد که ثمره آن بعدها آشکار شد. از این رو، امام در آستانه حرکت از مدینه به سوی کربلا، به دو بخش از مبارزه خود اشاره می‌کند؛ یکی بخش شهادت (عملیات نظامی) و دیگری بخش اسارت (عملیات فرهنگی). ایشان به فرمایش جلدش نیز اشاره دارد که فرمود: «پس خداوند خواسته است که تو را کشته ببینند... و زنان (دیگر همراهان) را اسیر». (ابن طاووس، ۱۳۷۸، ۶۱) بر این اساس، امام حسین علیه‌السلام برای رسیدن به اهداف نهضتش، حساب شده و با برنامه پیش رفت و تمامی برنامه‌هایش، سنجیده و عاقبت‌اندیشانه بود.

جنبه معنوی برنامه ریزی امام

اگر چه تحقق هر رویدادی در این عالم با اراده خداست، جریان عالم بر محور اسباب و مسببات استوار بوده، خداوند کارها را جز از طریق وسایط و اسباب آنها انجام نمی دهد؛ البته اسباب و علل مؤثر در پدید آمدن موجودات، منحصر در علت های ظاهری و اسباب طبیعی نیست و افزون بر آنها یک سری اسباب و عوامل معنوی نیز در تحقق پدیده ها مؤثرند. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴، ۵۰) در کنار دقت های برنامه ریزی در مقیاس زمینی، جلوه هایی از تدبیر و برنامه ریزی در مدیریت امام دیده می شود که در آنها سه رکن اساسی دیده می شود:

توجه به سنت های الهی در حرکت خویش

توجه امام در مسیر کربلا به قوانین و قواعدی است که در عالم حضور دارند و ایشان خود و دیگران را به آن توجه می دهند. استناد به این اصول مانند توجه به باطن دنیا، شناخت انسان، غلبه حکم خدا در کلمات امام حسین فراوان است.

عنوان	گزاره	مستند	تحلیل و تبیین
توجه به سنت های الهی در حرکت خویش	لَمَّا صَعِدَ الْحُسَيْنُ بَنُ عَلِيٍّ ع عَقَبَةَ الْبَطْنِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ مَا أُرَانِي إِلَّا مَقْتُولًا قَالُوا وَ مَا ذَاكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رُؤْيَا رَأَيْتُهَا فِي الْمَنَامِ قَالُوا وَ مَا هِيَ قَالَ رَأَيْتُ كِلَابًا تَنْهَشُنِي أَشَدُّهَا عَلَيَّ كَلْبُ أَبِطَعٍ	ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۷۵	مشاهده در رؤیا را با دید زمینی نمی توان تحلیل کرد. بخش هایی از ماجرای کربلا سطحی بالاتر از تصمیم شخصی و تدبیر فردی است. فارغ از اینکه بخش هایی هم به شأن ویژه امامت حضرت بر می گردد که آن را هم باید توجه داشت. اینجا امام شناسی جایگاه ویژه ای می یابد. البته این سخن نه به معنای آن است که کربلا از شأن الگویی و انسان سازی اش خارج شود.

عنوان	گزاره	مستند	تحلیل و تبیین
پاره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ از اراده الهی	<p>فَقَالَ أَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص بَعْدَ مَا فَارَقْتِكَ فَقَالَ يَا حُسَيْنُ ع اُخْرُجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَمَا مَعْنَى حَمَلِكَ هؤُلَاءِ النِّسَاءَ مَعَكَ وَ أَنْتَ تَخْرُجُ عَلَيَّ مِثْلَ هَذِهِ الْحَالِ قَالَ فَقَالَ لَهُ قَدْ قَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَائِيَا وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَ مَضَى</p>	ابن الطاووس، ۱۳۷۸، ۶۵	<p>بحث مشیت خدا یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث کلامی است. کوتاه‌سخن در این برنامه‌ریزی جلوه‌هایی ملکوتی هم هست که باید توجه شود. صدالبته که این توجه، نافی اختیار انسان نیست.</p>
پاره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ از اراده الهی	<p>ثُمَّ سَارَ [الحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَام] حَتَّى بَلَغَ ذَاتَ عَرِيقٍ، فَلَقِيَ بَشْرَ بْنَ غَالِبٍ وَارِدًا مِنَ الْعِرَاقِ، فَسَأَلَهُ عَنْ أَهْلِهَا، فَقَالَ: خَلَفْتُ الْقُلُوبَ مَعَكَ، وَالسُّيُوفَ مَعَ بَنِي أُمِّيَّةَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: صَدَقَ أَخُو بَنِي أَسَدٍ، إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ</p>	<p>الملهوف: ص ۱۳۱، مثير الأحران: ص ۴۲ به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ۶۳۰ همچنین در نقل‌های مشابه: تاریخ الطبری: ج ۵ ص ۳۸۶، الكامل فی التاريخ: ج ۲ ص ۵۴۷، الأشراف: ج ۳ ص ۳۷۶، تجارب الأمم: ج ۲ ص ۵۹ به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ۶۱۸</p>	<p>تسلیم بودن در برابر اراده الهی</p>

عنوان	گزاره	مستند	تحلیل و تبیین
توجه ویژه به برنامه الهی و لازم الاجرا بودن آن	لَمَا بَلَغَ مُحَمَّدٌ بَنَ الْحَنَفِيَّةِ مَسِيرُهُ [أَي مَسِيرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام] وَكَانَ يَتَوَضَّأُ وَيَبِينُ يَدَيْهِ طَشْتًا، فَيَكْفِي حَتَّى مَلَأَهُ مِنْ ذُمُوعِهِ، وَلَمْ يَبْقَ بِمَكَّةَ إِلَّا مِنْ حَزَنٍ لِمَسِيرِهِ، وَلَمَّا كَثُرُوا عَلَيْهِ، أَنْشَدَتْ آيَاتِ أَخِي الْأَوْسِ... ثُمَّ قَرَأَ: «وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا».	تذکره الخواص: ص ۲۴۰ به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ۵۶۱	تلاوت آیه كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا (الأحزاب/۳۸) نشان از آن است که فرمان های الهی حساب شده و لازم الاجرا است و باید به مرحله اجرا در آید. (مظفری، ۱۳۹۵، ۳۹)
توجه ویژه به برنامه الهی و در نتیجه صلب و رهاییه در امتداد آن	سَارَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ الرُّمَّةِ، فَلَقِيَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُطِيعٍ، وَهُوَ مُنْصَرِفٌ مِنَ الْعِرَاقِ، فَسَلَّمَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَالَ لَهُ: يَا بَنِي أُنْتِ وَأُمِّي يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ! مَا أَخْرَجَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَحَرَمِ جَدِّكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ، لِمَا رَجَّوْا مِنْ إِحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ، وَإِمَانَةِ الْبِدْعِ. فَالَ لَهُ ابْنُ مُطِيعٍ: أَنْشَدَكَ اللَّهُ أَلَا تَأْتِي الْكُوفَةَ، فَوَاللَّهِ لَيَنْ أَتَيْتَهَا لَتَقْتَلَنَّ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا»، توبه: آیه ۵۱. ثُمَّ وَدَّعَهُ وَمَضَى	(الأخبار الطوال: ص ۲۴۶). ج ۱ ص ۵۴۹	حضرت باز بر هدف خود اصرار می ورزد و با این آیه به ابن مطیع می فهماند که ما در این مسیر به دنبال انجام وظیفه هستیم. (مطهری محب، ۱۳۹۱، ۱۲۷) وظیفه مداری و توجه به آن چیزی که خدا برای انسان مقدر کرده است راز این تعبیر امام است.

عنوان	گزاره	مستند	تحلیل و تبیین
عنايت به سبب با سنت همراهی با جریان حق و پیروزی آن	كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَكَّةَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لِحَقِّ بِي اسْتَشْهَدَ وَ مَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يُدْرِكِ الْفَتْحَ وَ السَّلَامُ.	ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۷۵	پیروزی از آن جریان حق است حتی اگر امام حسین و یارانش در کربلا به شهادت برسند. این سنت لایتغیر الهی است. این سنت‌ها را در برنامه‌ریزی معنوی حضرت باید دید.
توجه به مختصات دنیا	كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع مِنْ كَرْبَلَاءَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَمَا بَعْدُ فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَ كَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ وَ السَّلَامُ.	ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۷۵	شناخت دنیا و نگاه آخرت مدار به آن در حرکت‌های خرد تا کلان انسان‌ها تأثیرگذار است و عاشورا توجه دادن به حقیقت است که افق نگاه را در برنامه‌ها باید وسیع‌تر از دنیا قرارداد. این حرف تازه و مهم عاشورا است که در مراسم و مناسک دائم خود در سال به انسان‌ها تذکر می‌دهد.
توجه به شرایط حاکم بر جامعه و تاریخ	وَ قَالَ ع فِي مَسِيرِهِ إِلَى كَرْبَلَاءَ إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَبَابَةٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ حَسْبِيسُ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَاهِي عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُجِئًا فَإِنِّي لَأَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا	ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۴۵	اینکه دنیا در چه برهه‌ای از تاریخ قرار دارد و شناخت جوامع چه تأثیری در تصمیم‌ها و برنامه‌ها دارند در مقیاس عمل به حق و نهي از باطل، طرح نویی است که امام حسین بیان می‌نماید و در راه آن ایستادگی می‌نماید.

عنوان	گزاره	مستند	تحلیل و تبیین
انسان‌شناسی و تأثیر آن	إِنَّ النَّاسَ عِبْدُ اللَّهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَعَنَ عَلَى الَّذِينَ يَخُونُونَ مَا كَرَرْتُمْ مَعَايِشَهُمْ فَإِذَا فُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الَّذِينَ يُؤْتُونَ.	ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۴۵	انسان‌ها در افق جهان‌بینی، بنده دنیا هستند و بر این اساس، انسان‌شناسی مبتنی بر این جهان‌بینی شکل می‌گیرد و رفتارهای دوگانه انسان‌ها تحلیل می‌شود. بر این مبنا و شناخت، برنامه‌ریزی‌ها متفاوت خواهد شد.

مجموعه این اصول، زیربنای اندیشه‌ای است که در حرکت عاشورایی امام حسین وجود دارد و در نتیجه برنامه‌ریزی ایشان را فراتر از یک برنامه‌ریزی مادی رقم می‌زند. در این برنامه‌ریزی تفکر توحیدی حضور دارد و افق دید شخص را از محدوده چندروزه دنیا عبور می‌دهد و رفتارهای او را در مقیاسی بزرگ‌تر رقم می‌زند.

حرکت در مسیر سنت‌های الهی

امام حسین بعد از بیان این اصول حاکم بر عالم، خود و کاروان خویش را در آن جریان قرار می‌دهد. تمام تصمیم‌ها و حرکت‌های امام را در این منظومه باید دید. کربلا صرفاً بیان این باورها نیست؛ بلکه عمل و اقدام امام و یارانشان هست که بر اساس مبانی فکری توحیدی امتداد می‌یابد و در میدان کربلا دیده می‌شود.

رکن و ساحت اول یعنی «توجه به سنت‌های الهی در حرکت خویش» ناظر به حوزه شناختی است و رکن و ساحت دوم یعنی «حرکت در مسیر سنت‌های الهی» ناظر به حوزه کنشی و اقدام است. یعنی بعد از فهم قواعد اساسی عالم، باید در مسیر آن سیر کرد. به عبارت دیگر صرف تفکر درست و حکمت نظری صحیح به تنهایی در این برنامه‌ریزی مطرح نیست و راهگشا نخواهد بود، بلکه آمیخته‌ای از حکمت نظری و حکمت عملی را در این معادله می‌توان دید.

تلاش و کوشش مجدانه در این مسیر

حرکت در مسیر سنت‌های الهی به معنای کاهلی و نداشتن حرکت نیست. امام با همه قوای خود تا آخرین نفس در این مسیر ایستادگی می‌کند و فراتر از عمل اندیشه خویش، بر آن پای فشاری و استقامت هم می‌ورزد و حتی یارانش را به صبر در این مسیر دعوت می‌نماید:

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ ع صَبْرًا بِنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۲۸۹)

هر آنچه در بحث برنامه‌ریزی مادی و عنایات حضرت به دقت‌های زمینی تدبیرهای انسانی بیان شد همه نشان از توجه به این اصل است که تلاش و کوشش در این مسیر و ایستادگی و صبر در این میدان، شأن ویژه‌ای دارد.

مستندات قرآنی برنامه‌ریزی در مدیریت حسینی

جایگاه تدبیر و برنامه‌ریزی در قرآن

در فرهنگ مدیریتی قرآن کریم از این وظیفه مدیریتی با عنوان «قدر» و «تقدیر» یاد شده^۱ که همان معنای «برنامه‌ریزی» را در خود جای داده است. تقدیر خدا بر اشیا دو صورت دارد: اول: با بخشیدن قدرت و توانایی دادن به اشیا. دوم: به اینکه آن شیء را به وجهی مخصوص در اندازه‌ای معین آن طور که حکمت اقتضا کرده است قرار دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴، ۱۳۸-۱۳۹).

وجود برنامه‌ریزی سالانه در مدیریت الهی تصویب نهایی برنامه‌ریزی سالانه در شب قدر از نکات قابل توجه در مواجهه اول با این مفهوم است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۸-۵۹) آیاتی مانند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/۱)؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (الدخان/۳) فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان/۴).

جایگاه تدبیر و برنامه‌ریزی در سیره انبیا در قرآن

جایگاه تدبیر و برنامه‌ریزی در سیره انبیا در قرآن تاریخچه‌ای طولانی دارد. مانند برنامه‌ای که حضرت یوسف در ماجرای مدیریت شهر مصر انجام دادند:

«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُّوهُ فِي سُبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف/۴۷) و یا داستان حضرت طالوت و مدیریتی که: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» (بقره/۲۴۹)

گذشته از امر برنامه‌ریزی، وقایعی مانند طرح سدسازی ذوالقرنین یا برنامه اقتصادی حضرت یوسف برای مدیران اسلامی، سرشار از پیام‌های سازمانی و اداری (درباره ابعاد مختلف وظایف مدیریت مانند برنامه‌ریزی و...) است. اگر افرادی به دنبال نمونه‌های عینی از مدیریت اسلامی در

۱. قوامی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، دانش مدیریت در قرآن، ص ۵۴

قرآن هستند می‌توانند این وقایع قرآنی را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین طرح‌های صنعتی حضرت سلیمان و حضرت داود در سوره‌های «ص» و «سبا». (قوامی، ۱۳۸۳، ۳۵۳)

نسبت برنامه‌ریزی عبد و مولا

نکته‌ای که در این جا باید برجسته نمود عنایت به تدبیر ربوبی خدای متعال در جریان امور است و اینکه تدبیر بنده در طول تدبیر خدای متعال باید دیده شود. اینجاست که از مفاهیمی مانند تفویض می‌توان سخن گفت.

تعبیر «إِلَهِي أَقْمِنِي [أَعْنِنِي] بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَ اِخْتِيَارِكَ [وَ اِخْتِيَارِكَ] لِي عَنْ اِخْتِيَارِي» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق. ج ۱، ۳۴۹) امام حسین در دعای عرفه را در این منظومه باید دید. واگذاری تدبیر و اختیار امور در دست خدا نکته کلیدی این فراز است.

تفویض و واگذاری مسئولیت هماهنگی برنامه انسان

تفویض را می‌توان طریقی برای تنظیم برنامه‌های انسان دید. تفویض به معنای واگذار کردن و سپردن چیزی به دیگری است. تفویض یعنی اینکه بنده آنچه را که به ظاهر، منسوب به خودش بوده، به خدا برگرداند و خود را از همه امور برکنار بداند و هیچ کاری را به خود برنگرداند، در اصطلاح قرآنی، تفویض به معنای برگرداندن و واگذاری کارها به خدای متعال است؛ اما نه به این معنا که رها کند و واگذار کند و گوشه‌ای بنشیند مثل «بنی اسرائیل» که به حضرت موسی گفتند: «فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱ بلکه کار کند و تلاش کند اما بداند مایه و سرمایه و بن‌مایه همه از اوست و به‌سوی اوست.

حال بنده در چنین وضعی حال کسی است که از هر چیزی برکنار باشد و هیچ چیزی به او منتسب نباشد. اگر این حال برای کسی رقم بخورد، به راحتی از کنار مشکلات عبور خواهد کرد و این مهم‌ترین چیزی است که یک مدیر به آن نیاز دارد. مهم‌ترین دغدغه مدیران درباره تحقق اهداف و برنامه‌هایشان است و باور به تفویض می‌تواند انسان را به یک مرکز قوی فرماندهی که همه اراده‌های عالم از آنجا صادر می‌شود، متصل کند.

هرچند تفویض یکی از مقامات سلوکی است که سالک در سیر الی الله آن را طی می‌کند، سازوکار این مفاهیم دینی در دنیای مدیریت بسیار شورانگیز است. وقتی در ابتدا به انسان «وجود» داده‌اند، سپس «آگاهی»، سپس «قدرت» و بعد «اراده»، برای سلوک الی الله و بازگشت به فطرت

۱. «قَالُوا: يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنُتَخَلِّفُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (المائدة، ۲۴)

اولیه، باید این صفات در او، به عکس ترتیب مذکور، منتفی شود. پس اول باید «اراده» او در اراده الهی مضمحل شود به گونه‌ای که هیچ چیزی از خود اراده نکند و هر چه پیش آید، مطلوب او باشد. این درجه «رضا» نامیده می‌شود و صاحب این درجه همیشه در بهشت رضوان خواهد بود. بعد از آن باید «قدرت» او در قدرت الهی منتفی شود تا قدرت خود را به هیچ عنوان مغایر قدرت او نداند. به این مرتبه توکل می‌گویند. سپس باید «علم و آگاهی» او در علم پروردگار مضمحل شود تا به خودی خود، هیچ نداند که این مرتبه را مقام «تسلیم» نامیده‌اند.

این سیر اگر در یک مدیر رقم بخورد، به شناختی از دنیا خواهد رسید که سازمان و مجموعه او بخشی از آن است. این نوع نگرش به انسان قدرت مانور بیشتر به همراه آرامش مضاعف و بازدهی بهتر خواهد داد، چرا که تک تک رفتارهای مدیریتی اش منطبق بر اراده هستی آفرین خواهد بود. این نگاه مدیر را به بی‌نهایت وصل می‌کند و با این حساب مدیریتش فراتر از مدیریت بشری خواهد شد. این یعنی دیگر او نگران برنامه‌هایش نیست، چرا که کسی که آفریننده همه هستی است، بناست وظایف مدیریتی مانند هماهنگی و کنترل مجموعه او را در دست بگیرد. به عبارت بهتر دیگر خود خدا مسئول هماهنگی برنامه‌های او خواهد شد و این یعنی افزایش بازدهی و رشد حیظه مدیریتی مدیر! (علوی، ۱۳۹۵، ۱۰۱-۱۰۲)

حرکت در مسیر تحقق سنت‌های الهی

حرکت در مسیر تحقق سنت‌های الهی از مهم‌ترین اصولی است که در جریان برنامه‌ریزی امام حسین وجود دارد. مبنای این نگاه را در آیات نورانی قرآن باید جستجو نمود. تفاوت برنامه‌ریزی انسان و خدا در این است که خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ ولی برنامه‌ریزی انسانی با موانع گوناگون و تهدید و ضعف‌های مختلف روبه‌روست و امکان ناکامی و خطرپذیری در آن بالاست. اما درباره برنامه‌ریزی مدبر کلان نظام هستی خطرپذیری وجود ندارد: «يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ»، «يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»، «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ»

بی شک فرهنگ ریسک و خطرپذیری در سازمان بسیار است. قانون توکل، بهره‌مندی از آن اراده خلل‌ناپذیر «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و تطبیق دو مشیت با هم است: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»

در نتیجه طبق قانون «وَرِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» فوایدی تصور ناشدنی به دست می آید. (قوامی، ۱۳۹۳، ۶۷) کوتاه سخن، آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» آیاتی است که در اندیشه مدیریت و رهبری حسینی هم جایگاه ویژه ای دارد.

نکته دیگری که درباره نسبت برنامه ریزی خدای متعال قابل توجه است الهام گرفتن از این نظام دقیق خلقت است که از باب «تخلقوا باخلاق الله» شایسته است مخلوق، رنگی از خالق بگیرد و در آموزش این نسبت ها را رعایت نماید. البته چنانچه گذشت برخی از این موارد مختص ذات ربوبی است؛ اما در بسیاری از شئون می توان الگوگیری نمود.

این تذکری است که امام حسین خود و دیگران را به مناسبت های مختلف و در دل گفتگوهای خود و حتی با نقش انگشتی خود به آن متذکر می شدند:

«امام باقر (ع): امام حسین (ع) دو انگشت داشتند که نقش یکی از آنها «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُدَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ» (خدایی جز پروردگار نیست. برای ملاقات او آماده ام) بود، و نقش انگشت دیگر «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ»، (خدا آنچه می خواهد را به سرانجام می رساند)، بود.»^۱

«... إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ...» (الطلاق/۳) و نیز: «... وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف/۲۱)

«... إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ...» نشان از رشدیافتگی و کمال و پختگی برنامه الهی است و «... وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ» بیان اشراف برنامه الهی بر سایر برنامه ها و سایه انداختن آن بر دیگر تدابیر دارد. این حقیقتی است که بسیاری نمی دانند. «... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف/۲۱)

برای همین است که هر پیامبری که مبعوث می شد و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می ریخت، شیطان القاناتی در آن می کرد؛ اما خداوند القانات شیطان را از میان می برد و برنامه و طرح خود را غالب می نماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (الحج/۵۲)

۱. عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: كَانَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع خَاتِمَانِ نَقَشُ أَحَدِهِمَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُدَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ وَ نَقَشُ الْآخَرَ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۳۱) وَ كَانَ نَقَشُ خَاتَمِ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَنْخَتَمُ بِخَاتَمِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ع وَ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع يَنْخَتَمُ بِخَاتَمِ الْحُسَيْنِ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۴۵۸)

توجه به این حقیقت، بسیار مهم است که حوادث زندگی ما اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه بر اساس مقدرات است. توجه به اینکه برنامه‌ها با دست تقدیر خداوند متعال رقم می‌خورد و ناشی از تصادف نیست یکی از شاخصه‌های مبنایی برنامه‌ریزی عاشورایی است.

خداوند متعال در قرآن کریم وقتی ماجرای یوسف صدیق (ع) را بیان می‌کند، می‌فرماید برادران یوسف او را در چاه انداختند و ماجراهایی پیش آمد، تا آنجا که به خانه یکی از بزرگان مصر راه پیدا کرد. این بزرگ مصر، وقتی یوسف را از بازار خرید، عظمت و بزرگی را در چهره او دید و به همسرش که فرزندی نداشت، گفت: «أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَكْدًا»، برده‌وار با او برخورد نکن، او شخصیت بزرگی است و روزی به کارمان می‌آید و اصولاً او را به‌عنوان فرزند خودش انتخاب کرد و از آنجا بود که حضرت یوسف به‌عنوان فرزندخوانده یکی از بزرگان مصر شد، درحالی که در چند روز قبل، او یک کودک افتاده در چاه در یک بیابان بود.

اگر یک قصه‌نویس بخواهد این داستان را روایت کند، همه ماجرا را بر اساس تصادفات تحلیل می‌کند: «تصادفاً برادران یوسف او را در چاه انداختند، تصادفاً کاروان تشنه‌ای که مسیرش هیچ‌گاه از اینجا عبور نمی‌کرد، گذرش به اینجا افتاد، تصادفاً در اینجا تشنه شدند، تصادفاً رفتند آب بیاورند و آب نبود و به‌خاطر تشنگی، مجبور شدند که از آب تلخ چاهی که حضرت یوسف در آن بود استفاده کنند، تصادفاً از این چاه آب برداشتند و تصادفاً یوسف صدیق بالا آمد، تصادفاً ماجرا چنین پیش رفت که او را ببرند و بفروشند، تصادفاً در مصر فروختند، تصادفاً یکی از بزرگان مصر مشتری یوسف شد، تصادفاً عظمت را از چهره او فهمید و دانست که آینده روشنی دارد، تصادفاً خدا به آنها بچه نداده بود و تصادفاً حضرت یوسف را به‌عنوان فرزندخوانده انتخاب کردند و تصادف‌های دیگر!»

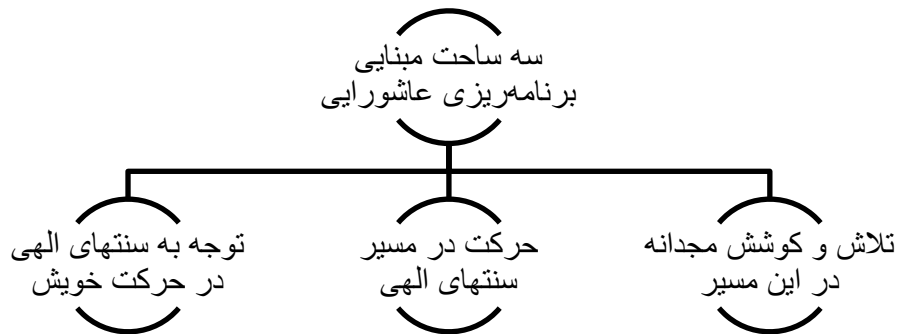
انسان‌های عادی مقدرات الهی را این‌گونه تحلیل می‌کنند. ولی خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ»، ما به یوسف مکنت دادیم؛ این تازه، اول تقدیری است که ما با این بنده خوب انجام دادیم، «وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ». این درس بزرگی است: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ»، خداوند بر کار خود غالب است و هر کاری را که بخواهد، انجام می‌دهد. خداوند یک گله‌ای هم از ما می‌کند: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، اگر مردم این را می‌دانستند، به در هیچ خانه دیگری نمی‌رفتند. این فهم مهمی است که انسان درک

کند تقدیری پشت سر امور است. یک‌دستی انسان را به اینجا آورده است و فقط یک طرف ماجرا انسان است، طرف اصلی ماجرا خداوند متعال است. (میرباقری، ۱۴۰۲، ۵۴-۵۵).

سه ساحت مبنایی برنامه‌ریزی عاشورایی		
سه ساحت	مستندات قرآنی	تحلیل و تبیین
توجه به سنت‌های الهی در حرکت خویش	<p>وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ... (الطلاق/۳)</p> <p>...إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ... (الطلاق/۳)</p> <p>... وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (يوسف/۲۱)</p> <p>إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا... (الحج/۳۸)</p> <p>وَلْيَضْحَكُوا بَشْرًا إِنَّ اللَّهَ يَقْوَىٰ عِزِّهِ (الحج/۴۰)</p> <p>وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (الشعراء/۲۲۷)</p> <p>فَسَيَحْجِبُهُمُ اللَّهُ (البقرة/۱۳۷)</p> <p>وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران/۱۲۰)</p> <p>وَأَمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (الأعراف/۱۸۳)</p> <p>ذِكْرُكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۱۸)</p> <p>وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر/۲۵)</p> <p>وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ (غافر/۳۷)</p> <p>وَأَكِيدُ كَيْدَ (الطارق/۱۶)</p> <p>لَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (الفيل/۲)</p> <p>وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران/۵۴)</p> <p>وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (الأنفال/۳۰)</p> <p>وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا... (الرعد/۴۲)</p> <p>وَمَكْرُؤًا مَكْرًا وَمَكْرُؤًا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (النمل/۵۰)</p> <p>وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (النمل/۷۰)</p> <p>وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (فاطر/۱۰)</p> <p>وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (الأحزاب/۳۸)</p> <p>إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (الحج/۱۴)</p> <p>إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُشَاءُ (الحج/۱۸)</p> <p>وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (التكوير/۲۹)</p> <p>قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (التوبة/۵۱)</p>	<p>آفریننده هستی بر اساس برنامه‌ریزی، جهان خلقت را اداره و رهبری می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند با ظلم و تعدی و مکر و حيله‌گری نظم حاکم را برهم زند و جلوی آن را در مداری که تعیین شده است بگیرد و تلاطم و سردرگمی در برنامه‌های مشخص شده او ایجاد نماید، اما می‌تواند با شناخت اصول حاکم بر عالم از مدهای تعبیه‌شده الهی مستفیض و بهره‌مند گردد و در مسیر رشد و تعالی و مسلط شدن بر جهان خلقت گام بردارد و امام حسین (ع) با شناخت و معرفت این مهم و با اتصال و توکل به خدا و امید به آینده روشن و رسیدن به هدف خود هیچ ترسی از عده و غده معاند و متخاصم که به‌ظاهر تمام شرایط غلبه و پیروزی قطعی او فراهم بود، نداشت و این به‌خاطر اعتقاد و باور راسخ امام به این رهنمودهای وحیانی بود که هیچ‌کس نمی‌تواند قوانین حاکم بر هستی را نقض</p>

سه ساحت مبنایی برنامه‌ریزی عاشورایی		
سه ساحت	مستندات قرآنی	تحلیل و تبیین
		کند.
حرکت در مسیر سنت‌های الهی و ورود در جمعی که شامل سنت‌های خدا می‌شود	<p>وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (المائدة/۵۶)</p> <p>أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (المجادلة/۲۲)</p>	<p>در منطق قرآن رفع موانع و فائق شدن بر دشمن و نیل به هدف، حرکت در مسیر سنت‌های الهی و بهره‌مندی از حمایت‌های او است و تنها از این طریق امکان فلاح و رستگاری و پیروزی فراهم است و امام حسین (ع) در برنامه‌ریزی رحمانی خود با التزام نظری و عملی به این مهم هم بر دشمن فائق آمد و هم نهضت و قیامشان را جاوید و ماندگار ساخت.</p>
تلاش و کوشش مجاهدانه در این مسیر	<p>وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/۱۳۹)</p> <p>إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت/۳۰)</p> <p>إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (الأحقاف/۱۳)</p> <p>إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (يوسف/۹۰)</p>	<p>سنت‌های خدا پشتوانه انسان‌های راکد و ساکت نیست مؤلفه‌های اثربخش، بهره‌مندی از امدادهای الهی ایمان، استقامت و پایداری و صبر و بردباری است و تنها از این رهگذر امکان تحقق و ترویج و نهادینه‌سازی اندیشه توحیدی وجود دارد و امام حسین (ع) در برنامه‌ریزی خود مؤلفه‌های یاد شده را لحاظ و در مقام عمل به اجرا گذاشت و تحولات بنیادین و ماندگار ایجاد نمود.</p>

خلاصه آنکه این سه ساحت مبنایی برنامه ریزی عاشورایی یعنی «توجه به سنت‌های الهی در حرکت خویش»، «حرکت در مسیر سنت‌های الهی و ورود در جمعی که شامل سنت‌های خدا می‌شود» و «تلاش و کوشش مجدانه در این مسیر» مراحل است که بر اساس گفتار و رفتار امام حسین در برنامه ریزی و حرکت عاشورایی ایشان قابل تفسیر و تحلیل است.



تحلیل قرآنی برنامه ریزی عاشورایی در مدیریت امام حسین علیه السلام

این مراحل سه گانه، ابتدا از اندیشه امام آغاز می‌شود و در مرحله بعد تا صحنه اقدام امتداد می‌یابد و در مرحله سوم تا آخرین لحظه دیده می‌شود.

نتیجه

برنامه ریزی در مدیریت امام حسین دارای دو جنبه برنامه ریزی مادی و معنوی است. (هرچند در مواردی این تفکیک مشکل به نظر می‌رسد).

در بخش اول: در مواردی امام حسین به صورت زمینی و مادی دست به تدبیر و برنامه ریزی می‌زنند. مواردی مانند تدبیر برای رفتن به دارالخلافه برای بیعت، همراهی خانواده برای تحقق اهداف، دوراندیشی، تاکتیک نظامی در مقابل صف آرای دشمن و مانند آن. دو اصل برنامه ریزی مادی در مدیریت حسینی عبارت‌اند از دقت در هدف گذاری، پیش بینی و زمان بندی.

در بخش دوم: در کنار دقت‌های برنامه ریزی در مقیاس زمینی، جلوه‌هایی از تدبیر و برنامه ریزی در مدیریت امام دیده می‌شود که در آنها سه رکن اساسی دیده می‌شود. اینها سه

ساحت مبنایی برنامه‌ریزی عاشورایی است که برای همه پیروان ایشان قابل استفاده و الگوبرداری است: «توجه به سنت‌های الهی در حرکت خویش»، «حرکت در مسیر سنت‌های الهی و ورود در جمعی که شامل سنت‌های خدا می‌شود» و «تلاش و کوشش مجدانه در این مسیر». این سه رکن، مراحلی است که بر اساس گفتار و رفتار امام حسین در برنامه‌ریزی و حرکت عاشورایی ایشان قابل تفسیر و تحلیل است.

منابع

قرآن

- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه، ۱۳۵۶.
- ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
- ابن الطاووس، علی بن موسی، مترجم: محمد طاهر دزفولی، سوگنامه کربلا: ترجمه لهوف، قم، مؤمنین ۱۳۷۸.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثیر الاحزان، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۶ ق.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، محقق مجتبی محمودی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۱ ق.
- پیروز، علی آقا و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی جا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارلقلم، ۱۴۱۲ ق.
- رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
- رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.
- رضایی اصفهانی، قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن، قم، دارالمبلغین، ۱۳۹۶.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق احمد الحسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲.
- علوی، سید علی اصغر، آنچه در دانشکده مدیریت نیاموختم، تهران، سدید، ۱۳۹۵.
- قوامی، سید صمصام الدین، تفسیر موضوعی قرآن کریم، دانش مدیریت در قرآن، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۳.
- قوامی، سید صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۳.
- کریتنر، رابرت، مترجمان: داور ونوس، بهمن جمشیدی، مهرداد پرچ، اصول مدیریت (عملیات برتر)، تهران، مهربان نشر، ۱۳۸۷.

- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- کوشکی، نظرعلی، درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین علیه السلام، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۴، ۱۳۸۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، شهادت نامه امام حسین، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، قم، صدرا، ۱۳۷۶.
- مطهری محب، حسین، قرآن و امام حسین (تحلیل استشهادهات قرآنی و روایات تفسیری امام حسین)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
- مظفری، محمد، تجلی قرآن در نهضت عاشورا، قم، نسیم کوثر، ۱۳۹۵.
- میرباقری، سید محمدمهدی، تربیت ولایی، قم، تمدن نوین، ۱۴۰۲.
- میرباقری، سید محمدمهدی، ضیافت بلا (مقامات سلوکی در زیارت عاشورا)، تهران، نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مؤسسه انتشارات کتاب به نشر، ۱۳۹۲.
- میرباقری، سید محمدمهدی، نفس مطمئنه، به کوشش ترابی، محمدرضا، قم، تمدن نوین، ۱۴۰۰.
- Kreitner Robert and Angelo kinicki, Organizdtior Behavior, Sixth Edition, iny's New York : Mcgraw-Hill - Irwing 200

